

تأثیر سنت تشریحی الهی در سعادت اخروی انسان

سید مجید میردامادی^۱

لندنینگ جمی (نویسنده مسئول)^۲

چکیده

خداوند پس از خلقت نظام عالم و به ویژه انسان‌ها که دارای قدرت اختیار بودند، برای رشد و سعادت ایشان، سنت‌هایی را قرار داد که به دو دسته تکوینی و تشریحی قابل تقسیم است. در این تحقیق با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و گردآوری منابع دینی و نظریات فلاسفه و متکلمان به شیوه کتابخانه‌ای بر آنیم تا حقیقت سنت تشریحی را دریابیم، مسئله سعادت و به ویژه سعادت اخروی را بررسی نماییم و در نهایت رابطه سنت‌های تشریحی الهی با سعادت اخروی انسان‌ها را واکاوی نماییم. سنت‌های تشریحی دستورات الهی هستند که از طریق پیامبران الهی به انسان‌ها رسیده است. در دین اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین آسمانی، مجموعه این سنن در قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام آورده شده است که عمل کردن به آن‌ها می‌تواند زمینه‌ساز سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها گردد. سنت‌های تشریحی با ویژگی اعتباری بودن در چارچوب ادیان آورده شده است، لذا نتیجه سرپیچی از آن فوری نیست. همچنین نسبت به سنن تکوینی تأخر زمانی و محدودیت افرادی دارد، اما نتیجه پیروی از آن علاوه بر سلامت، هدایت و تقرب الهی است. سنن تشریحی اگرچه به خلاف سنن تکوینی امکان تغییر دارند، اما از آنجا که اراده الهی به تغییر آن‌ها تعلق نرفته است، لذا این سنن‌ها در دنیا و آخرت برقرار خواهند بود. خداوند تبارک و تعالی در آیات متعدد قرآن کریم و دستورات دینی برای توجه انسان‌ها به سنن تکوینی و تشریحی پاداش و عقاب در نظر گرفته است. از همین رو بررسی‌های انجام‌شده در آیات قرآن کریم و آرای متکلمان و فلاسفه نشان‌دهنده ارتباط وثیق میان سعادت اخروی انسان و پایبندی به سنت‌های تشریحی الهی است.

کلید واژه‌ها: سنت الهی، سنت تکوینی، سنت تشریحی، سعادت اخروی، قرآن

کریم، هدایت.

۱. عضو هیئت علمی و مدیر گروه فلسفه و کلام اسلامی جامعه المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم العالمیه خراسان

۲. دانش‌پژوه کارشناسی‌ارشد کلام اسلامی جامعه المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم العالمیه خراسان

مقدمه

خداوند در هر دینی مانند دین اسلام، قوانین و روش‌هایی را برای هدایت انسان قرار داده است که رعایت آن پیامدهای مثبت دنیوی و پاداش اخروی را به دنبال دارد و تخلف از آن عقوبت اخروی را به دنبال خواهد داشت. تمامی احکام حلال و حرام در اسلام از سنت الهی بوده و تغییر را پذیرا هستند و هرگز جایگزین نمی‌پذیرند. اگر چیزی حرام است تا قیامت حرام است و اگر چیزی حلال است تا قیامت حلال خواهد. امام صادق می‌فرماید: «حتی جاء محمد ﷺ فجاء بالقرآن و بشریعتیه و منهاجیه، فحلاله حلال الی یوم القیامته و حرامه حرام الی یوم القیامته؛ تا اینکه محمد ﷺ آمد و قرآن و شریعت و طریقت خود را آورد پس حلال(دین) او تا روز قیامت حلال است و حرام(دین) او تا روز قیامت حرام». (کلینی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۱۷؛ ری شهری، ۱۳۸۵، ج ۱۲: ۱۰)

شمار این قوانین در روایات و آیات بسیار زیاد است که رعایت نکردن آن‌ها از سوی انسان نتیجه نامطلوب به دنیوی و اخروی را قطعی به دنبال خواهد داشت و انجام آن بنا بر دستورات الهی مسلماً نتیجه خوشایند دنیوی و اخروی آن را به همراه خواهد داشت.

۱. حقیقت سنت‌های الهی

سنت بر وزن «فُعَلَةٌ» در قرآن ۱۶ بار به کار رفته است و به معنای راه(بن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳: ۲۲۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ۳۴۰)، روش(ابن اثیر، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۴۰۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۲۹) و سیره(جوهری، ۱۴۲۶ق: ۵۷۰) و جمع آن «سنن» است. همچنین به طریقه، قانون، آیین، رسم، سیره و طبیعت نیز معنا می‌شود. (صفی‌پور، ۱۳۸۸، ج ۱: ۵۹۱)

سنت در اصطلاح به معنای جریان امر ضابطه‌مند است که ممکن است در صفت، عمل و یا قول، ظهور پیدا کند و ضوابط آن به اختلاف موارد کاربرد آن فرق می‌کند(مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۵: ۲۳۷) مهم‌ترین معانی اصطلاحی سنت عبارت‌اند از:

۱. سنت به معنای قوانین کلی و تغییرناپذیر؛

۲. سنت به معنای آداب و رسوم گذشتگان؛

۳. سنت به معنای تغییرناپذیرند.

در تعریف سنت الهی می‌توان گفت: قوانینی است که در جهان به گونه‌ای جاری است که هیچ تغییری و تحولی در آن ایجاد نمی‌شود. این قوانین، همان اراده و مشیت الهی است

که به صورت قانون و اصل کلی در جهان جاری است (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۲: ۸۶) و ظهور آن در افعال الهی است که به سبب آن خداوند متعال، امور عالم و آدم را تدبیر و اراده می‌کند. (مصباح یزدی، ۱۳۶۷: ۴۲۵)

۲. ویژگی‌های سنت‌های الهی

بحث از ویژگی‌ها و شناخت خصوصیات مختلف سنت الهی است که خیلی ضروری و مهم است، لذا در این بخش به بیان ویژگی عام «سنت‌های الهی» می‌پردازیم.

۲.۱. کامل بودن سنت الهی

بشر با توجه به شرایط، مشکلات و نیازهای بشر یا در کل و یا در جزئیات سنت‌های خود تغییراتی به وجود می‌آورد که گاه با شکل اولیه متفاوت می‌گردد و یا بخشی از آن را تغییر می‌دهد و با آزمون و خطا به روش بهتر دست یابد، اما خداوند چون علم و قدرتش عین ذاتش می‌باشد و به همه چیز آگاهی کامل و لازم دارد هرچه را اراده می‌کند ایجاد می‌نماید و در اداره جهان روشی را حاکم می‌گرداند که کامل است، بنابراین سنت الهی مطابق نیاز و شرایط وجودی موجودات در هر زمانی است که علم و حکمتش آن را از آغاز اقتضا کرده بود و کاستی در آن راه ندارد و در نتیجه نیازمند تبصره و ماده جهت خارج و داخل کردن برخی موارد نیست. (زکوی، ۱۳۹۲: ۴۸)

۲.۲. قطعیت سنت الهی

خداوند در خلقت اولیه موجودات و در استمرار خلقت با توجه به قانون عدل خود موجودات را به وجود می‌آورد. از سوی دیگر حکمت خداوند عین اراده اوست، لذا هنگامی که وجود یک موجود یا سنتی را اراده می‌کند، وجودش حتمی خواهد شد؛ یعنی خداوند به علت کامل بودن و بی‌نقص بودنش، اگر چیزی را که با حکمتش اراده کند محال است محقق نشود و تخلفی در به وجود آمدن آن نخواهد شد. (زکوی، ۱۳۹۲: ۴۹)

۲.۳. غیر قابل تغییر بودن سنت الهی

گفتیم سنت الهی از روی حکمت خداوند است و حکمت خداوند همه جوانب آن را از لحاظ می‌کند تا ظلمی صورت نگیرد، زیرا خداوند عدل مطلق است و عدل عین ذات

اوست. در نتیجه در سنت الهی نقصانی نیست تا در شرایط گوناگون و متغیر برای رفع مشکل نیازمند تغییر باشد: «لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»؛ در سنت خدا، هرگز تغییری نخواهی یافت» (احزاب: ۶۲)

«تبدیل» در لغت به معنای تغییر کردن است؛ تغییری که نسبت به حالت اولیه‌ای که در یک چیز وجود دارد حاصل می‌شود (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۳۱۸) و تبدیل در سنت الهی به این شکل که مثلاً عذاب را از قومی که استحقاق آن را دارد به سوی قوم دیگر بفرستد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷: ۵۸) یعنی اگر علل جاری شدن عذاب برای امتی کامل شود، ولی به جای آن رحمت الهی نازل می‌شود.

برخی بین معنای تغییر و تبدیل تفاوت گذاشته و گفته‌اند تبدیل به معنای مبدل شدن چیزی به چیز دیگر است، به گونه‌ای که غیر از اولی باشد، اما تغییر به معنای هرگونه دگرگونی است. حال این دگرگونی به صورت کم شدن یا زیاد شدن یا غیر آن باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۹۵) بنابراین دو معنا، تفسیر آیه نیز متفاوت می‌شود؛ اگر معنی اول مراد باشد، تغییر کلی رخ نمی‌دهد، اما تغییر در کیفیت و کمیت آن صورت می‌پذیرد، ولی مطابق به معنای دوم، هیچ‌گونه تغییری چه به صورت کلی یا جزئی، در آن حاصل نمی‌شود. بنا بر استعمال واژه‌شناسان و استعمال قرآن و اطلاق آیه، نفی تبدیل را هم به معنای تغییر کلی می‌توان گرفت، به گونه‌ای که مثلاً عذاب برداشته شود و به جای آن عافیت، عنایت شود و هم به معنای تغییر جزئی یا مطلق تغییر؛ یعنی ممکن است عذاب تبدیل به عافیت نشود، اما مقدار آن یا کیفیت آن تغییر کند که آیه هر دو مورد را نفی می‌کند، البته برخی از مفسران، معنای تبدیل را منحصر در معنای اول دانسته‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱۸: ۲۹۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱۱۱۰)

۲.۴. بر پایه عدل بودن سنت الهی

تمامی سنت‌های موجود الهی که در توضیح انواع سنت‌ها مفصل بیان خواهیم کرد بر پایه یک اصل استوار هستند و آن عدل است و در واقع سنت‌های موجود مصداق سنت عدل الهی می‌باشند و به عنوان سنت مستقل مطرح نیستند و همه آن‌ها در یک اصل مشترک‌اند، یعنی عدل و یا قانون علیت. خداوند بنا بر سنت خود یعنی عدل الهی انسان و موجودات را با خصوصیات ویژه به وجود آورده است که در دنیا راحت زندگی کند نه آنکه چون بشر را خلق نمود و برای اینکه در دنیا به حیاتش ادامه دهد این روش و سنت

را در جهان قرار داده است، بلکه سنت الهی پیش از وجود انسان بود و ضعف قوانین بشری از این ناحیه است قوانین بشری در شرایط و موقعیت‌های ویژه تغییر می‌کند و به آن تبصره و ماده می‌افزایند، ولی سنت الهی این‌گونه نیست. (زکوی، ۱۳۹۲: ۵۱)

۳. سنن تشریحی الهی

سنت‌های الهی در یک تقسیم‌بندی بر دو گونه است؛ سنت تکوینی و سنت تشریحی. سنت تکوینی قانونی است که در جان طبیعت قرار داده شده است و ویژگی آن ذاتی است به گونه‌ای که بدون آن تصور نمی‌شود نه تنها تغییر نمی‌کند، بلکه قابلیت تغییر را هم ندارد. سنت تشریحی اشاره به شریعت و شرع دارد. «شرع» به معنای نوشیدن آب با دهان آمده است و علت اینکه احکام خدا، حلال و حرام خدا، شریعت نامیده می‌شود به همین جهت است؛ یعنی دستورات الهی آشخور حیات انسان‌اند. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸: ۱۷۵) در نتیجه سنت تشریحی سنتی است که از جانب خداوند به عنوان حکم شرعی و قانونی تشریح می‌شود.

سنت تشریحی مختص دین اسلام نیست، بلکه ادیان گذشته نیز دارای دستورات و آیینی بودند که بشر برای هدایت از آن استفاده می‌کرد ولی از آن جهت که پس از اسلام دین‌های دیگر قابلیت تبعیت را ندارند، در سنت تشریحی از دین اسلام سخن به میان می‌آوریم: ﴿وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ﴾؛ هر کس جز اسلام و تسلیم در برابر فرمان حق آیینی برای خود انتخاب کند از او پذیرفته نخواهد شد. (آل عمران: ۸۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۵)

۴. تفاوت سنت تکوینی و سنت تشریحی

۴.۱. فوریت؛ عدم فوریت نتیجه عمل

نتیجه عمل مثبت و منفی در سنت تکوینی به خلاف سنت تشریحی فوری است. سنت تکوینی در طبیعت موجود می‌باشد و نتیجه آن آنی و فوری است و فرصت جبران وجود ندارد. بی‌احتیاطی در رانندگی و بهداشت درمان تغذیه استفاده از وسایل خطرناک خسارات جانی و مالی قطعی و فوری است، ولی در سنت تشریحی عمل نادرست و تخطی از دستورات نتیجه نامطلوب آنی و فوری به دنبال ندارد، بلکه انسان فرصت جبران دارد.

عقوبت و کیفر ناشکری، گناه کردن و دعا نکردن فوری نیست بلکه انسان فرصت جبران دارد. اگر ناشکری کرده است با جبران آن می‌تواند شکرگزار گردد و یا در گناه توبه راه جبران است پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقْبَلُ تَوْبَةَ الْعَبْدِ مَا لَمْ يَغْرُغْ؛ خداوند متعال توبه بنده را پیش از آنکه به جان کندن افتد، می‌پذیرد» (هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۴: ۲۱۰؛ ری شهری، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۲۴)

۲.۴. حقیقی در برابر اعتباری بودن

سنت تکوینی طبیعی و حقیقی است که قابل رؤیت و احساس است، ولی سنت تشریحی به اعتبار شارع مقدس است. اعتباری بودن سنت تشریحی به این معنا است که خداوند احکامی را مطابق هر دین وضع می‌کند. این احکام در زمان خود تغییرناپذیرند مگر آنکه مدت آن به سر آید و حکم جدیدی تشریح کرد و یا زمان دین جدید آغاز گردد که احکام و قوانین جدیدی تشریح می‌شود. تا زمانی که حکم پیشین نقض نشده است تغییرناپذیر و مکلف به اطاعت آن هستیم و با آمدن حکم جدید تا زمانی که حکم جدید بر حکمش باقی است اطاعت از حکم جدید واجب است و غیرقابل تغییر می‌باشد و پیروی از حکم گذشته شرعیت ندارد.

۳.۴. جریان در طبیعت ادیان

سنت تکوینی به دین و شرع خاصی اختصاص ندارد و در طبیعت و هستی جای دارد؛ هر کس در هر دین و مرامی اگر به آتش دست بزند، دستش می‌سوزد و از روی بی‌احتیاطی با چیز برنده‌ای بازی کند، صدمه می‌بیند. اگر تلاش کند به اندازه تلاش بهره‌مند خواهد گشت و گرنه بی‌بهره خواهد ماند و نمونه‌هایی از این دست که فراوانند؛ اما سنت تشریحی در ادیان جاری است. بنابراین گرچه سنت تشریحی مختص دین اسلام نیست، بلکه ادیان قبل نیز دارای دستورات و آیینی بودند که بشر برای هدایت از آن استفاده می‌کرد، ولی از آن جهت که بعد از اسلام دین‌های دیگر قابلیت تبعیت را ندارند و منسوخ شده است در سنت تشریحی از دین اسلام سخن به میان می‌آوریم و هر کس جز اسلام و تسلیم در برابر فرمان حق آیینی برای خود انتخاب کند از او پذیرفته نخواهد شد: «وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ» (آل عمران: ۸۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۵) مطابق آیه ۳ سوره مائده منظور از اسلام در آیه بیان شده دین اسلام است،

بنابراین سنت تشریحی خداوند در زمان کنونی فقط احکام دین اسلام و کتاب آسمانی آن قرآن است و تخلف از آن و اسلام نیاوردن تخلف از سنت تشریحی است:

﴿الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَآتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾؛ امروز کافران از زوال آیین شما مأیوس شدند بنابراین از آن‌ها نترسید و از (مخالفت) من بترسید! امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین (جاویدان) شما پذیرفتم. «(مائده: ۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۶۴)

۴.۴. سلامت و هدایت، نشانه پایبندی به سنت

در سنت تکوینی پایبندی به مقررات نشان‌دهنده موفقیت و سلامت است ولی رعایت سنت‌های تشریحی افزون بر موفقیت و هدایت نشان از تقرب الهی دارد. سنت‌های تکوینی مانند تلاش ما را به نتیجه مطلوب می‌رساند. برای نمونه اگر از چاقو درست استفاده شود، قوانین رانندگی رعایت گردد، در استفاده از وسایل خطرناک مانند برق دقت شود و در تجارت اصول آن مراعات گردد؛ نتیجه مطلوب آن برای همه انسان‌ها چه مسلمان یا نامسلمان، فاسق یا مؤمن یکسان است، ولی سنت‌های تشریحی عمل بر اساس فرمان‌های الهی، نوعی تقرب الهی را برای انسان ایجاد می‌کند و نتیجه آن منحصر در افرادی است که به این سنت پایبند باشند:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾؛ ای مردم شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید این‌ها ملاک امتیاز نیست گرمای‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شما است خداوند دانا و آگاه است! (حجرات: ۱۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۳۱۰)

تقوا یک سنت الهی است اگر به تقوای الهی توجه کنند نزد خداوند بیشتر خواهد گشت و انسان بی‌توان از خداوند عزت و کرامتی ندارد برای به دست آوردن کرامت و عزت نزد خداوند تقوای الهی لازم است. تقوا یعنی انسان خود را از گناه و نافرمانی خداوند نگه دارد این عزت نزد خداوند قطعی است، زیرا تقوا یک سنت تشریحی است که تخلفی در آن نیست؛ نه تغییر می‌کند و نه تبدیل می‌پذیرد. کسی نمی‌تواند بگوید من بدون تقوا نزد خداوند مقرب هستم یا کسی نمی‌تواند مدعی شود که من بی‌تقوایی می‌کنم و با کار

نیک و عبادات دیگر نزد خداوند مقرب می‌شوم و سنت دیگری را جایگزین تقوا می‌گردانم. امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «اذا اتقيت المحرماتِ و تورَّعتَ عن الشُّبهاتِ و اديتُ المفروضاتِ و تنقلتَ بالنوافلِ فقد اكمَلتَ في الدِّينِ الفضائلُ؛ هرگاه از محرمات دوری جستی و از شبهات پرهیز کردی و واجبات را به جا آوردی و مستحبات را انجام دادی، فضایل دینی را به کمال رسانده‌ای». (غررالحکم، ح ۴۱۴۸؛ ری شهری، ۱۳۸۵، ج ۴: ۱۹۱)

۴.۵. مقدمیت داشتن یکی بر دیگری

سنت تکوینی به دو دلیل بر سنت تشریحی مقدم است:

۱. سنت تکوینی از ابتدای وجود، همراه موجود بوده است، ولی سنت تشریحی مطابق دین، تشریح و وضع می‌گردد.
۲. سنت تکوینی نسبت به سنت تشریحی عمومیت دارد، مانند اینکه سنت تلاش که از سنت‌های تکوینی است تقریباً در تمامی سنت‌های تشریحی راه دارد. برای نمونه در سنت دعا، سنت شکر، سنت حلال و حرام که تا روز قیامت ثابت هستند. یا اینکه این سنت در همه واجبات و محرمات راه دارد و انسان بدون تلاش نمی‌تواند تنها با دعا به نیازش برسد و با شکر بدون تلاش در استفاده درست از نعمت بنا بر آنچه خداوند در خلقت آن نعمت اراده نموده است، معنا ندارد. بنابراین سنت تشریحی باید خود را با سنت تکوینی هماهنگ کند و در ارتباط با سنت تکوینی باشد. انسان باید تلاش لازم و کافی را بنماید تا به نتیجه لازم برسد، ولی دعا، موانعی را که باعث می‌شود تلاش به نتیجه نرسد، برطرف می‌نماید: «أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ؛ با کسی که دعای مضطر را اجابت می‌کند و گرفتاری را بر طرف می‌سازد».

۴.۶. عدم استحاله ذاتی تغییر و تبدیل

از آنجا که ویژگی‌های سنت تکوینی در جان طبیعت و موجودات است تا زمانی که علت موجود است، معلول نیز موجود می‌باشد. این ویژگی ثابت است و تغییر نمی‌کند و چیزی نمی‌تواند جایگزینی آن گردد، مانند سوختن. اما در سنت‌های تشریحی، تغییر و جایگزینی محال ذاتی نیست، بلکه عدم تغییر آن به این دلیل است که خداوند تغییر در سنت تشریحی را اراده نموده است و لذا نباید از آن تخطی نمود و خداوند نیز همان‌گونه

که در سنت تکوینی از سنت خود عدول نمی‌کند، بر سنت تشریحی نیز پایبند است. برای نمونه انسان گناهکار بر اساس آیات و روایات وارد بهشت نمی‌شود این به خاطر وجود علت، یعنی گناه است. اگر انسان با توبه و پشیمانی علت را از خود دور نماید، وارد بهشت می‌شود، پس بدون توبه قطعاً کسی نمی‌تواند وارد بهشت شود و شفاعت نیز شامل کسانی می‌شود و به بهشت رهنمون می‌سازد که خداوند از دین آن‌ها راضی باشد: ﴿يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا وَلا يَشْفَعُونَ اءَلا لِمَنْ ارْتَضَى وَ هُمْ مِّنْ خَشِيَّتِهِ مُسْفِقُونَ﴾؛ و آن‌ها جز برای کسی که خدا راضی (به شفاعت برای او) است شفاعت نمی‌کنند و از ترس او بیمناک‌اند. (انبیاء: ۲۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱۹۴)

۵. اهرم‌های اجرایی خداوند برای توجه به سنت‌های تکوینی و تشریحی

انسان‌ها در رعایت راه‌های معقول و احتیاط، نه تن به شناخت می‌دهند و نه مراقبت‌های لازم را انجام می‌دهند. به همین خاطر خداوند اهرم‌های اجرایی ویژه‌ای را در هر دو سنت قرار داده است. این اهرم همانند مراقبت و هشدارهای مادر به فرزند بازیگوشش در بازی با وسایل خطرناک، پیامد بی‌توجهی به سنت‌های تکوینی و تشریحی را گوشزد می‌کند تا انسان‌ها خود را از خطرهای مادی و معنوی دور نمایند. (زکوی، ۱۳۹۲: ۳۱۳)

۵. ۱. حتمی و فوری بودن مرگ‌ها، صدمات و لطمات روحی و جسمی در سنت‌های تکوینی

به خاطر همین امر است که والدین مراقب فرزندان‌شان هستند تا به خود صدمه نزنند، زیرا می‌دانند که مراعات نکردن سنت‌های تکوینی صدمات حتمی را به همراه دارد: ﴿وَ لا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ...﴾؛ خود را به دست خود، به هلاکت نیفکنید. (بقره: ۱۹۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱۷) با مراقبت و احتیاط نسبت به سنت‌های تکوینی و تشریحی به خود لطمه و یا صدمه وارد نکنید.

۵.۲. سنت عذاب و پاداش در آخرت درباره سنت‌های تشریحی

﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾؛ پس هر کس هم‌وزن ذره‌ای کار خیر انجام دهد آن را می‌بیند و هر کس هم‌وزن ذره‌ای کار بد کرده آن را می‌بیند! (زلزله: ۷ و ۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۳۶۱) پس هر کس به مقدار ذره‌ای کار نیک کرده باشد همان را ببیند، و هر کس هم‌وزن ذره‌ای کار بد کرده باشد آن را ببیند. یعنی اینکه اگر کسی در دنیا فرمان‌ها خداوند متعال را عمل کند و لو به اندازه یک‌ذره در روز قیامت پاداش خواهد گرفت و همین‌طور اگر کسی در دنیا فرمان‌ها و دستورات خداوند متعال را عمل نکند و لو به اندازه یک‌ذره در روز قیامت عذاب خواهد گرفت و این سنت الهی است.

۵.۳. سنت پاداش و عذاب در دنیا و آخرت در سنت‌های تکوینی و تشریحی

سنت شکر و کفران ﴿وَإِذْ تَأْتِيكُمْ لُيُنْ شُكْرُكُمْ لَأَبِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾؛ اگر شکرگذاری کنید، نعمت خود را بر شما خواهم افزود و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است. (ابراهیم: ۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱۵۳)

به خاطر اطاعت و تعامل درست در خصوص سنت‌های تکوینی و تشریحی، خداوند پاداش و عقاب در دنیا و آخرت را قرار داده است تا شاید انسان، عصیان و نافرمانی را کنار بگذارد و مطیع فرمان‌های الهی در ضمن سنت‌های تکوینی و تشریحی باشد. پاداش و عقاب در دنیا به خاطر شکر و ناشکری، همان موفقیت و رسیدن به موقعیت‌های عالی در شکر و شکست‌ها و از دست دادن نعمت و موقعیت‌ها در ناشکری می‌باشد و از سوی رسیدن به نعمت‌های بهشتی به جهت شکر نعمت و استفاده مناسب و درست از آن در همان جهتی که خداوند اراده نموده و گرفتار عذاب آخرت شدن به خاطر ناشکری و استفاده نادرست از نعمت، می‌باشد. در سنت و کفران نعمت به آن‌ها اشاره خواهیم نمود.

۶. رابطه سنت تشریح الهی در سعادت اخروی انسان

«سعادت»، عبارت است از اعمالی که انسان را به کمال مطلوب برساند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۱۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۲۳۵) کمالی که استعدادش را خدای متعال در نهاد انسان قرار داده است و چون انسان از راه اعمال خاصی که با اراده‌اش انجام می‌دهد، به سعادت می‌رسد. در اصطلاح علم فلسفه، سعادت یعنی رسیدن

به خیرات جسمانی و روحانی و متنعم شدن به آن است، در مقابل شقاوت که نداشتن و محروم شدن از این امور است. (خرمشاهی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۱۲۰۰)

ملاصدرا گفته برخی گمان کرده‌اند که سعادت، نیل و رسیدن به درجات حسی و ریاست‌های خیالی است، درحالی که هیچ‌یک از این‌ها سعادت حقیقی نیستند، بلکه سعادت و خیر، همان وجود است، لذا هر جا وجود بیش‌تر و کامل‌تر است، سعادت بیش‌تر و کامل‌تر خواهد بود و چون وجود ناقص و ضعیف است، شقاوت مطرح است و چون وجودات قوای عقلی، قوی‌تر از وجودات قوای شهوانی، حیوانی و غضبی هستند، سعادت قوای عقلی نیز قوی‌تر و آشکارتر است. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱ م، ج ۹: ۱۲۳) شیخ اشراق سعادت و شقاوت را مربوط به عالم برزخ و آخرت دانسته و می‌گوید سعادت و شقاوت حقیقی است که بعد از مرگ ملحق به انسان می‌شود به این معنا که شخص سعید بعد از مرگ بوی بهشت را و شخص شقی بعد از مرگ عذاب را می‌یابد. (شیخ اشراق، بی‌تا، ج ۲: ۲۶۳)

از آنجاکه سعادت حقیقی در پرتو پیروی از دستورات الهی که از آن به سنت‌های الهی تعبیر می‌شود، حاصل می‌گردد: ﴿ذَلِكِ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾؛ از همین رو باید رابطه یا تأثیر (خواجه طوسی، بی‌تا: ۶۵-۶۶؛ شعاری نژاد، ۱۳۷۵: ۳۴۵) سنت‌های تشریحی با سعادت انسان و به ویژه سعادت اخروی را بررسی کرد.

۶. ۱. دیدگاه قرآن

از نظر قرآن، اطاعت و پیروی از سنت پیامبر اکرم ﷺ و سبک زندگی آن حضرت، نشانه ایمان آدمی است (نساء: ۵۹؛ انفال: ۱؛ نور: ۴۷) و هرکسی بخواهد در راه راست و صراط مستقیم حرکت کند، باید از ایشان اطاعت کند و سبک زندگی‌اش را سرمشق خویش قرار دهد تا در دنیا و آخرت خوشبخت باشد، زیرا خداوند در آیه ۷ سوره حجرات، پیروی از سنت پیامبر اکرم ﷺ را نشانه رشد و تعالی انسان دانسته است و کسی که این مسیر را می‌رود بی‌گمان به کمال رشد و تعالی دست می‌یابد. خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَعْلَمُوا أَن فَيْكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَبٌ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَزَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ﴾؛ و بدانید که پیامبر خدا در میان شماست؛ اگر در بسیاری از کارها از شما پیروی کند، قطعاً دچار زحمت می‌شوید، لیکن خدا ایمان را برای شما دوست‌داشتنی گردانید و آن را در

دل‌های شما بیاراست و کفر و پلیدکاری و سرکشی را در نظرتان ناخوشایند ساخت، آنان که چنین‌اند ره‌یافتگان‌اند. (حجرات: ۷)

پس از نظر قرآن به جای آنکه پیامبر از شما پیروی کند شما باید در همه امور از ایشان پیروی کنید که در این صورت به رشد دست می‌یابید و از ره‌یافتگان خواهید بود. از نظر قرآن، سنت و سیره آن حضرت ﷺ بر انسان‌ها حجت است و خداوند می‌تواند آن را علیه اعراض‌کنندگان از اطاعت ایشان به کار گیرد، چنان‌که انسان می‌تواند در دنیا و آخرت به آن احتجاج کرده و علت و چرایی عمل به کاری را سنت و سیره پیامبر ﷺ قرار دهد، زیرا سنت ایشان حجت است. (آل‌عمران: ۳۲-۳۱، ۱۰۱؛ نساء: ۱۳-۱۴، ۵۹، ۶۱، ۸۰ و ۸۳)

پیروی از سنت پیامبر ﷺ موجب اصلاح و آشتی در میان افراد جامعه است. این اصلاح هم نسبت به ارتباطات و معاشرت میان فردی است و هم میان گروهی است. به این معنا که اگر دو نفر اختلاف داشته باشند، با پیروی از سبک زندگی پیامبر ﷺ صلح و صلاح و آشتی میان آنان برقرار می‌شود و کدورت‌ها و نفرت‌ها از میان می‌رود. (انفال: ۱)

در معاشرت میان اقشار مختلف و گروه‌ها و جناح‌های اجتماعی و قومی و مانند آن‌ها نیز این روش و سبک زندگی می‌تواند تأثیرگذار باشد و موجبات آشتی مردمی و ملی را فراهم آورد، زیرا سبک زندگی پیامبر ﷺ که برگرفته از قرآن است، همان سبک تسلیم در برابر خدا و پرهیز از هرگونه از فسق و فجور و ظلم و جور است و به انسان یاد می‌دهد که نه تنها عادل باشند، بلکه نسبت به یکدیگر احسان در مراتب چهارگانه را مراعات کنند. پس هم نیکوکار در رفتار فردی باشند، هم به دیگری نیکی کنند، هم عفو و گذشت داشته باشند و هم در مقام اکرام به گناهکار چیزی از حق خود بدهند و ایثار کنند تا جامعه رنگ خوش و خوشی را ببیند.

پیروی از سنت پیامبر ﷺ موجب برخورداری از رحمت الهی می‌شود. این رحمت هم دنیوی و اخروی است و هم رحمانی و رحیمی. به این معنا که رحمت خاص الهی نیز نصیب کسانی است که از سنت آن حضرت ﷺ پیروی می‌کنند و سبک زندگی خویش را بر مدار زندگی ایشان سامان می‌دهند. (آل‌عمران: ۱۳۲-۱۳۱؛ توبه: ۷۱؛ نور: ۵۶؛ حجرات: ۱۴)

۶.۲. منظر روایات

در روایات سعادت اخروی با اصطلاحات متعددی همچون سعادت، فوز، فلاح و نجات آورده شده است. اگرچه در یک نگاه تیزبینانه می توان بین این معانی تمایزاتی را قائل شد، اما در بحث کنونی که به دنبال ارتباط بین سنت های تشریحی و سعادت اخروی هستیم، تفاوت چندانی ایجاد نمی کند. نکته این که اغلب روایات به آیات قرآن استناد داده شده و مهر تاییدی بر قرآن کریم می گذارند. برای نمونه در آیات متعددی به بحث رستگاری و فلاح به ویژه ابتدای سوره مومنون اشاره شده است:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ* الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ* وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ* وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ...﴾. مشاهده می شود که بلافاصله به سنت های تشریحی الهی همانند اقامه نماز و اعطای زکات اموال اشاره گردیده است.

از باب نمونه به یکی از روایات پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اشاره می کنیم:

«الرَّوْحُ وَالرَّاحَةُ وَالْفَلَجُ وَالْفَلَاحُ وَالنَّجَاحُ وَالْبَرَكَهُ وَالْعَفْوُ وَالْعَافِيَةُ وَالْمُعَافَاةُ وَالْبُشْرَى وَالنَّصْرَةُ وَالرِّضَا وَالْقُرْبُ وَالْقَرَابَةُ وَالنَّصْرُ وَالظَّفَرُ وَالْتَّمَكِينُ وَالسُّرُورُ وَالْمَحَبَّةُ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى مَنْ أَحَبَّ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْآلَاءُ وَأَنْتُمْ بِهِ وَأَقْرَبُ بِفَضْلِهِ وَتَوَلَّى الْأَوْصِيَاءَ مِنْ بَعْدِهِ وَحَقُّ عَلَى أَنْ أَدْخِلَهُمْ فِي شَفَاعَتِي وَحَقُّ عَلَى رَبِّي أَنْ يَسْتَجِيبَ لِي فِيهِمْ وَهُمْ أَتْبَاعِي وَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي»؛ آسایش و راحتی، کامیابی و رستگاری و پیروزی، برکت و گذشت و تندرستی و عافیت، بشارت و خرمی و رضایتمندی، قرب و خویشاوندی، یاری و پیروزی و توانمندی، شادی و محبت، از سوی خدای متعال، بر کسی باد که علی بن ابی طالب را دوست بدارد، ولایت او را بپذیرد، به او اقتدا کند، به برتری او اقرار نماید، و امامان پس از او را به ولایت بپذیرد. بر من است که آنان را در شفاعتم وارد کنم. بر پروردگار من است که خواسته مرا درباره آنان اجابت کند. آنان پیروان من هستند و هر که از من پیروی کند، از من است.

۶.۳. دیدگاه متکلمان

علاوه بر اینکه شریعت الهی در بُعد دنیوی انسان را به سوی کمال و ترقی سوق می دهد، بُعد معنوی و اخروی تأثیر شریعت بر سعادت انسان ها نیز اهمیت بنیادی دارد. در این بخش به دیدگاه متکلمان مسلمان در مورد تأثیر سنت تشریحی بر سعادت اخروی انسان ها پرداخته شده است.

متکلمان مسلمان که می‌گویند تأثیر تکلیف و شریعت در معرض ثواب قرار دادن انسان از سوی خداوند است، یعنی خداوند برای اینکه زمینه ثواب بودن انسان را در آخرت فراهم کند و او را در معرض ثواب بردن قرار دهد یک سلسله تکالیفی را تشریح و بر عهده او گذاشته است که اگر به این تکالیف عمل کرد استحقاق ثواب پیدا کرده و از آن بهره‌مند می‌شود. اینان برای اثبات مدعای فوق به این منطق تمسک جسته‌اند که ثواب و پاداش، همراه و مقارن با تعظیم و بزرگداشت است و این نمی‌تواند یکسره و بی‌هیچ شایستگی صورت گیرد، چون تعظیم و تجلیل بدون علت و سبب از منظر عقل قبیح است، پس باید پیش‌تر کار صورت گرفته باشد و استحقاق تعظیم به وجود آمده باشد تا تعظیم و تکریم از دیدگاه عقل موجّه باشد. آنچه باعث پیدایش استحقاق می‌شود تکلیف است.

کسانی که به تکلیف الهی اعم از قوانین و عبادات عمل کنند استحقاق ثواب و پاداش پیدا می‌کنند و آن‌گاه ثواب و تعظیم از نگاه عقل توجیه‌پذیر است. به عبارتی از متکلمان که این ادعا و منطق را مطرح کرده‌اند نگاه کنید:

هدف از تکلیف، در معرض قرار دادن انسان برای بهره‌مندی از منفعت عظیم است، چه اینکه تکلیف، انسان را در معرض ثواب قرار می‌دهد و ثواب نیز، منفعت بزرگ، خالص، جاودان و همراه با بزرگداشت و ستایش است و تردیدی نیست که تعظیم و بزرگداشت کسی که شایسته و سزاوار آن باشد نیکوست و از این‌رو تعظیم کودکان و دون پایگان بسان تعظیم عالمان، زشت است، چون استحقاق تعظیم در اثر کارهای نیک، یعنی طاعات به وجود می‌آید. (همان: ۳۴۵)

آن‌گاه که خداوند بندگان را آفرید و آنان را برای پاداش و کیفر آماده کرد، رساندن آن دو به ایشان بدون پیش کشیدن تکلیف به اطاعت ممکن نبود، زیرا پاداش، تعظیم و بزرگداشت را در بر دارد و کیفر، تحقیر و اهانت راه، پس روا داشتن پاداش و کیفر نسبت به کسی که از طریق امتثال و عدم امتثال تکلیف، استحقاق پیدا نکرده باشد، محال است و از حکیم عقلاً قبیح می‌باشد. (بحرانی، ۱۴۰۶ق: ۱۱۵)

تکلیف برای در معرض قرار دادن انسان برای ثواب است، چون خداوند در تکلیف کردن، یا منظور و هدفی دارد یا ندارد؛ دومی کار عبث و در مورد خدا محال است. در فرض نخست، آن هدف و غرض، یا سودرسانی به انسان است و یا زیان‌رسانی. دومی در مورد خداوند قبیح است، پس باقی می‌ماند صورت اول؛ و بایسته است که این سودرسانی نتیجه شایستگی و سزاواری باشد که از ناحیه تکلیف حاصل آمده است و ممکن نیست که بدون افعال مورد تکلیف، بدان دست‌یافت، زیرا آغاز به ثواب نیکو نیست،

از آن رو که ثواب همواره همراه با بزرگداشت است و چنین کاری نسبت به کسی که شایستگی آن را ندارد زشت می‌باشد. از سوی دیگر استحقاق ثواب نیز جز از طریق کاری که تکلیف بدان تعلق می‌گیرد (از واجبات و مستحبات) ممکن نیست. (طوسی، ۱۴۰۶ق: ۶۵)

از این عبارات کاملاً آشکار است که از نگاه متکلمان، تکلیف ابزاری است برای پیدایش استحقاق ثواب و عقاب و فایده شریعت این است که انسان را در معرض ثواب و عقاب قرار می‌دهد که بدون آن، ثواب بخشی یا کیفر دهی قبیح است. تعبیر دیگر آن چیزی است که در منابع دینی ما چون قرآن و سنت مطرح شده است. قرآن کریم و نیز سنت شریف به رغم اینکه گاهی برای تک‌تک تکالیف فلسفه و حکمت بیان می‌کند، مثلاً راجع به شراب و قمار می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا إنا الخمر و المیسر و الأنصاب و الأزلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون» (مائده: ۹۰) یا در مورد روزه می‌گوید: «لکی یعرفوا ألم الجوع و العطش و یستدلوا علی فقر الآخرة». (حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ۱: ۲۷۰) و در رابطه با نماز می‌گوید: «لئلا ینسی العبد مدبره و خالقه فیبطر و یطغی و لیکون فی ذکر خالقه» (صدوق، ۱۳۹۸ق: ۲۴۵)، اما باین همه از کلیت تکلیف و تشریح نیز فروگذار نکرده برای آن فلسفه بیان نموده است. در قرآن کریم از این فلسفه به ابتلا و امتحان تعبیر شده است: «لکل جعلنا منکم شرعاً و منهجاً و لوشاء الله لجعلکم امهً واحدةً و لکن لیبلوکم فیما آتاکم...» (مائده: ۴۸)

این تعبیر در مورد فلسفه حیات و مرگ نیز آمده است: «الذی خلق الموت و الحیاء لیبلوکم ایکم أحسن عملاً» (ملک: ۲) در آغاز اندکی غریب می‌نماید که واقعیت‌های مهمی چونان حیات و شریعت به «آزمایش» تعلیل شود، زیرا اولاً آزمایش چه ویژگی دارد که غایت و فلسفه زندگی و تکلیف قرار گرفته باشد و ثانیاً نسبت به خداوند که آگاهی کامل از آغاز و انجام انسان دارد، آزمایش و امتحان چه معنایی دارد؟

اما علامه طباطبایی راجع به این مطلب تفسیر و توضیحی دارد که از آن ابهام‌زدایی و آن را پذیرفتنی می‌کند. ایشان در توضیح این حقیقت که فلسفه تکلیف و شریعت امتحان و آزمایش انسان است می‌گوید که نوع انسان در برابر سایر انواع موجودات، هستی بالقوه دارد؛ یعنی آنچه در انجام زندگی و سیر وجودی‌اش آشکار می‌شود، در آغاز بالفعل در وجود او تعبیه نشده، بلکه به شکل استعداد و قوه نهفته است. آنچه این استعداد و قوه را به فعلیت می‌رساند، فعل اختیاری انسان است؛ یعنی گزینش آزادانه یک عمل باعث تحقق و فعلیت استعداد وجودی او می‌گردد، بنابراین باید یک سلسله دستورات و رویدادها وجود داشته باشد تا «اختیار» او را به منصف ظهور برساند و از طریق آن وجود و هستی او شکل گیرد. بر این اساس تکلیف ابزاری است برای ظهور پدیده «اختیار» که

خود موجب تحقق و فعلیت یافتن استعدادهای بالقوه و هستی نهفته و در کمون انسان می‌گردد. علامه می‌نویسد:

در مباحث نبوت که پیش‌تر گذشت توجه کردید که چگونه تشریح در تکوین داخل می‌شود و چگونه قضا و قدر بدان احاطه می‌یابد. آری از میان همه انواع موجودات، نوع بشر دارای گونه‌ای از وجود است که جز با یک سلسله افعال اختیاری و ارادی که خود ناشی از اعتقادات نظری و عملی است به کمال نمی‌رسد. پس ناگزیر انسان باید تحت سلطه قوانین زندگی کند؛ حال چه حق و چه باطل، چه خوب و چه بد. پس خدایی که جهان تکوین را ایجاد کرده باید برای آن‌یک سلسله اوامر و نواهی را تشریح کند و از سوی دیگر حوادث اجتماعی و فردی پدید آورد تا انسان در برخورد با این دو، آنچه در قوه و استعداد دارد را فعلیت دهد و در آخر یا سعادتمند شود و یا شقی و بدبخت گردد و آنچه در باطن وجودش هست به ظهور برسد. اینجاست که نام محنت و بلا و امتحان و مانند آن، هم بر این حوادث برابر می‌گردد و هم بر این تشریح. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴: ۳۲)

و در جای دیگر همین مطلب را این‌گونه توضیح می‌دهد:

انسان، سنخ وجودش به گونه‌ای است که ناگزیر است به روش اجتماعی زندگی کند. نیز ناگزیر است که یا خودش قوانین و سنی برای اجتماع خود وضع کند و یا زیر بار قوانین دینی برود از راه عمل به این قوانین، عقاید و اخلاق و ملکاتی که ملاک سعادت دنیوی اوست و کارهای نیکی که ملاک سعادت اخروی اوست، کسب نماید. از آنچه گفته شد جواب ابلیس که گفت فایده تکلیف چیست روشن می‌گردد، زیرا تکلیف با اینکه امری است اعتباری، اما این اثر واقعی را دارد که به طور تدریجی انسان را به سوی کمال و سعادتش سیر داده به بهترین و پایدارترین مراحل وجودش می‌رساند و قهراً کسی که از عمل به تکلیف سرپیچی کند از رسیدن به آن مرتبه محروم می‌ماند، عیناً مانند یک فرد از سایر انواع موجودات که اگر علل و اسباب یاری‌اش کرد به کمال خود نائل می‌شود و گرنه از بین می‌رود. بنابراین سؤال ابلیس در این باره بی‌شباهت به این نیست که کسی بپرسد فایده تغذیه گیاهان چیست؟ و یا بگوید چرا حیوانات با اینکه از بچه‌های خود خیر نمی‌بینند توالد و تناسل دارند و اما اینکه گفته می‌شود اگر مقصود خدا فایده رساندن به بندگان بود، چرا با اینکه می‌توانست، این فایده را بدون تکلیف نرساند؟ جوابش این است که این گفتار نیز مانند گفتار پیشین مغالطه است.

برای اینکه گفتیم تکلیف در انسان و در هر موجود دیگری که قابل تکلیف است، واسطه بین نقص و کمال وجودی اوست که به وسیله آن به تدریج کامل می‌شود(همان: ۴۹)

از مجموع این سخنان چنین استفاده می‌شود که فلسفه تشریح و تکلیف، کامل ساختن وجود انسان است، یعنی رمز و راز ضرورت تکلیف، بالقوه بودن و تمامیت پذیری تدریجی هستی انسان از یک سو و نقش اختیار و انتخاب در به فعلیت رسیدن آن از سوی دیگر و تأثیر تکلیف در به ظهور رساندن پدیده اختیار از جهت سوم است. تکلیف باعث می‌شود که انسان سر دوراهی قرار گیرد و به اختیار و انتخاب دست زند؛ انتخابی که به ظهور استعداد وجودی انسان و در نتیجه به کمال رسیدن هستی وی در یکی از دو جهت سعادت و شقاوت می‌انجامد که خود پاداش یا کیفر متناسب با آن را در پی خواهد داشت. بعید نیست تعبیر متکلمان از فلسفه تکلیف یعنی «در معرض ثواب یا عقاب قرار گرفتن انسان» نیز ناظر به همین واقعیت باشد، چون با فعلیت یافتن وجود بالقوه انسان در یکی از دو جهت سعادت و شقاوت، آثار و نتایج آن دو که ثواب و عقاب است مترتب می‌شود، با این تفاوت که در تعبیر متکلمان، بایستگی تکلیف از سوی خداوند نیز نهفته است، اما در تفسیر علامه طباطبایی این نکته به ظاهر مطرح نشده است، چه اینکه تنها به فعلیت رسیدن استعدادهای وجودی از طریق اختیار و تکلیف می‌تواند با تکالیف و قوانین ساخته بشر نیز تحقق یابد، اما حقیقت این است که علامه صرف فعلیت یافتن استعدادهای را نمی‌گوید، بلکه از فعلیت یافتن استعدادهای در مسیر سعادت و شقاوت سخن می‌گوید و این جز با تکلیف الهی که در آن سعادت واقعی و مسیر واقعی وجود انسان در نظر گرفته شده است، میسر نمی‌باشد.

نتیجه سخن آنکه فلسفه شریعت بر اساس تفسیر علامه طباطبایی عبارت است از به انجام رساندن خط وجود انسان که از نطفه آغاز شده است و به سمت یکی از دو نقطه سعادت و شقاوت امتداد می‌یابد؛ یعنی اگر چه کارکرد مستقیم تکلیف، تحریک اراده و انگیزش اختیار به مثابه عامل به فعلیت رساننده استعدادهای بالقوه است، اما در نهایت تکمیل کننده وجود ناقص و بالقوه انسان نمی‌باشد. از همین جا روشن می‌شود که امتحان خداوند از طریق تکلیف به معنای کشف واقعیت برای او نیست، بلکه به معنای عینیت بخشیدن یک استعداد و توان نهفته در وجود انسان برای انسان است تا جانمایه نهایی

هستی او برای خودش آشکار گردد و فرجام رقم خورده با دست اراده‌اش را بی‌هیچ اعتراض و ایرادی بپذیرد.

۶.۴. دیدگاه شهید مطهری

شهید مطهری از معدود علما و اندیشمندانی جهان اسلام است که در مورد جهان بینی اسلامی و دستورات تشریحی و سنت‌های شرعی مباحث قابل توجهی ارائه کرده است. از دیدگاه شهید مطهری سنت‌ها تشریحی در زندگی و سعادت انسان‌ها نقش بسزایی دارد. اصولاً کاربرد مهم شریعت و سنت تشریحی الهی این است که مایه سعادت آدمی می‌باشد. سنت‌های تشریحی در تمام افراد و در همه زمان‌ها بیش از هر چیز دیگری مؤثر است و تنها راه سعادت بشر می‌باشد و صلح و آرامش تنها در سایه این امر به وجود می‌آید و شریعت است که باعث فداکاری افراد می‌شود و تنها دستوره‌های تشریحی است که باعث پیشرفت نهضت‌ها می‌گردد به همین خاطر و از این جهت پیشوایان نهضت‌های جهان و زمامداران مقتدر عالم برای پیشرفت خود همواره به شریعت و امور مذهبی متوسل گشته‌اند. دستوره‌های تشریحی برنامه زندگی اخلاقی و اجتماعی است، خواه مستند به وحی باشد یا نباشد؛ و شریعت باعث یک سری اعمال و مناسک و آداب ویژه می‌گردد که با عبادت و پرستش همراه است، خواه معبود، خدا یا خدایان و یا ارواح و یا برخی مظاهر طبیعی باشد. تنها ایمان مذهبی قادر است که انسان را به صورت یک مؤمن واقعی درآورد، هم خودخواهی و خودپرستی را تحت‌الشعاع ایمان و عقیده و مسلک قرار دهد و هم نوعی تعبد و تسلیم در فرد ایجاد کند به طوری که انسان در کوچک‌ترین مسئله‌ای که مکتب عرضه می‌دارد به خود تردید راه ندهد و هم آن را به صورت یک شیء عزیز و محبوب و گران‌بها در آورد در حدی که زندگی بدون آن برایش هیچ و پوچ و بی‌معنی باشد و با نوعی غیرت و تعصب از آن حمایت کند. (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۴: ۱۲۳)

گرایش‌های ایمانی مذهبی موجب آن است که انسان تلاش‌هایی علی‌رغم گرایش‌های طبیعی فردی انجام دهد و احیاناً هستی و حیثیت خود را در راه ایمان خویش فدا سازد این در صورتی میسر است که ایده انسان جنبه تقدس پیدا کند و حاکمیت مطلق بر وجود انسان بیابد. تنها نیروی مذهبی است که قادر است به ایده‌ها تقدس ببخشد و حکم آن‌ها را در کمال قدرت بر انسان جاری سازد. ایمان مذهبی آثار نیک فراوان دارد چه از نظر تولید بهجت و انبساط و چه از نظر نیکو ساختن روابط اجتماعی و چه از نظر کاهش و رفع ناراحتی‌های ضروری که لازمه ساختمان این جهان است. به طور کلی دین جهان بینی ما را تغییر می‌دهد، یعنی بینش ما را درباره جهان تغییر می‌دهد.

جهانی که نور وحی به ما ارائه می‌دهد همین جهان است؛ اما با یک تاروپود خیلی بیشتری. وحی به ما این جور می‌گوید: ﴿سبح لله ما فی السموات و الارض﴾ (حدید: ۱) یعنی تمام ذرات هستی زبانشان به تسییح خدا گویاست، ولی شما نمی‌فهمید.

استاد مطهری در کتاب ایمان مذهبی می‌نویسد:

انسان نمی‌تواند بدون داشتن ایده و آرمان و ایمان، زندگی سالم داشته باشد و یا کاری مفید و ثمربخش برای بشریت و تمدن بشری انجام دهد. انسان فاقد هرگونه ایده و ایمان، یا به صورت موجودی غرق در خودخواهی در می‌آید که هیچ‌وقت از لاک منافع فردی خارج نمی‌شود و یا به صورت موجودی مردود و سرگردان که تکلیف خویش را در زندگی و در مسائل اخلاقی و اجتماعی نمی‌داند. انسان دائماً با مسائل اخلاقی و اجتماعی برخورد می‌نماید و ناچار باید عکس‌العمل خاصی در برابر این‌گونه مسائل نشان بدهد انسان اگر به مکتب و عقیده و ایمانی پیوسته باشد تکلیفش روشن است و اما اگر مکتب و آئینی تکلیفش را روشن نکرده باشد، همواره مردود و سردرگم خواهد بود. تنها ایمان مذهبی قادر است که انسان را به صورت یک مؤمن واقعی در آورد، هم خودخواهی و خودپرستی را تحت‌الشعاع ایمان و عقیده و مسلک قرار دهد و هم نوعی تعبد و تسلیم در فرد ایجاد کند به طوری که انسان در کوچک‌ترین مسئله‌ای که مکتب عرضه می‌دارد به خود تردید راه ندهد و هم آن را به صورت یک شیء عزیز و محبوب و گران‌بها در آورد در حدی که زندگی بدون آن برایش هیچ و پوچ و بی‌معنی باشد و با نوعی غیرت و تعصب از آن حمایت کند. گرایش‌های ایمانی مذهبی موجب آن است که انسان تلاش‌هایی علی‌رغم گرایش‌های طبیعی فردی انجام دهد و احياناً هستی و حیثیت خود را در راه ایمان خویش فدا سازد این در صورتی میسر است که ایده انسان جنبه تقدس پیدا کند و حاکمیت مطلق بر وجود انسان بیابد. تنها نیروی مذهبی است که قادر است به ایده‌ها تقدس ببخشد و حکم آن‌ها را در کمال قدرت بر انسان جاری سازد. (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۲: ۴۰)

نتیجه‌گیری

به عنوان نتیجه و جمع‌بندی می‌توان گفت که سنت تشریحی الهی با سعادت و خوشبختی انسان در عرصه‌ای مختلف حیات انسانی و مابعد حیات انسانی نقش چشم‌گیر

و قابل توجه دارد. علاوه بر اینکه شریعت الهی در بعد دنیوی انسان را به سوی کمال و ترقی سوق می‌دهد، بعد معنوی و اخروی تأثیر شریعت بر سعادت انسان‌ها نیز اهمیت بنیادی دارد.

در این مورد دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفت که به ابعاد مختلف آن پرداخته شد. به خلاف باور و پندار برخی که احکام عبادی خداوند را محدود به بعد اخروی انسان می‌دانند، احکام عبادی علاوه بر اینکه در سعادت اخروی انسان نقش قابل توجه دارد، نقش آن در عرصه‌های دنیوی و ابعاد سعادت دنیوی انسان نیز چشمگیر و ارزشمند است.

به عبارت دیگر در مورد تأثیر دنیوی عبادت کمتر سخن گفته شده است و تصور غالب این است که عبادت تنها برای آخرت و تعیین جایگاه اخروی است، اما حقیقت این است که عبادت، کارکرد دنیوی نیز دارد و آن عبارت است از تلطیف قانون‌گرایی و زمینه‌سازی برای جریان و تطبیق بهتر قوانین اجتماعی. عبادت و پرستش باعث پیدایش روح تسلیم در برابر دستورات و تکالیف الهی می‌شود و اگر چنانچه قوانین اجتماعی ریشه‌های دینی و الهی داشته باشد طبعاً قانون‌پذیری در انسان عمیق‌تر می‌شود و قانون‌گرایی رنگ عبودیت و بندگی به خود می‌گیرد.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم (ترجمه ناصر مکارم شیرازی)
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، ج ۳، بیروت: دار صادر.
 - ابن اثیر، عزالدین علی بن ابی‌الکرم (۱۴۱۸ق)، النهایه، بیروت: دار الفکر.
 - بحرانی، ابن میثم (۱۴۰۶ق)، قواعد المرام فی علم الکلام، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
 - جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، فطرت در قرآن، ویرایش محمد رضا مصطفی پور، قم: اسرا.

- جوهری، اسماعیل (۱۴۲۶ق)، معجم الصحاح، بیروت: دار المعرفه.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعة، قم: انتشارات آل بیت علیهم السلام.
- خر مشاهی، بهاء الدین (۱۳۷۶)، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران: [بی نا].
- خواجه طوسی، محمد بن محمد (بی تا)، اساس الاقتباس، تهران: [بی نا].
- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم.
- ری شهری، محمد (۱۳۸۵)، میزان الحکمه، ترجمه حمید رضا شیخی، قم: دارالحديث.
- زکوی، غلامحسین (۱۳۹۲)، حکومت خداوند یا سنت ایجاد و تأثیر سنت الهی بر پایه عدل در خلقت و هستی، تهران: ادیان.
- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم رفتاری، تهران: امیرکبیر.
- صدرالدین شیرازی، محمد (۱۹۸۱ م)، الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۸ق)، التوحید، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- صفی پور، عبدالرحیم (۱۳۸۸)، منتهی الارب، تهران: دانشگاه تهران.
- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن (۲۰ جلدی)، قم: دفتر نشر اسلامی.
- طریحی، فخر الدین (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۶ق)، الاقتصاد فیما يتعلق بالاعتقاد، بیروت: بی نا.
- عبد الباقي، محمد فؤاد (۱۳۸۳)، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، قم: نوید اسلام.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۳)، اصول کافی، بیروت: دارالتقلین.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۶۷)، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن (۱۴ جلدی)، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

- هندی، علی متقی (۱۴۰۹ق)، کنز العمال، بیروت: مؤسسه الرساله.